



دانشگاه سیام نور
پی

جغرافیای سیاسی و مناطق

راهبردی جهان

(رشته علوم سیاسی)

دکتر نادر شوهانی

دکتر احمد شوهانی

امروزه کتاب‌خوانی و علم‌آموزی، نه تنها یک وظیفه ملی، که یک واجب دینی است.^۱

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پربار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه مطالعه هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین

۱. پیام مقام معظم رهبری به مناسبت آغاز هفته کتاب ۷۲/۱۰/۴

سوره‌ای که بر آن فرستاده عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد شده‌است: «إِقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره جغرافیایی ایران‌شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگاه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب

پیشگفتار یازده

مقدمه سیزده

فصل اول. تعاریف و مفاهیم ۱

هدف کلی ۱

هدف‌های یادگیری ۱

۱-۱ مفهوم و تعریف جغرافیا ۱

۱-۲ مفهوم و تعریف سیاست ۴

۱-۳ سیاست از منظر اسلام ۱۱

۱-۴ سیاست و قدرت ۱۲

۱-۵ سیاست و جغرافیا ۱۶

۱-۶ مفهوم و تعریف جغرافیای سیاسی ۱۹

۱-۶-۱ تعریف جغرافیای سیاسی از منظر جغرافی‌دانان سیاسی ۲۱

۱-۶-۲ تعریف جغرافیای سیاسی از نظر جغرافی‌دانان سیاسی ایران ۲۳

۱-۶-۳ جغرافیای سیاسی از دیدگاه دو علم جغرافیا و علوم سیاسی ۲۴

۱-۷ موضوعات مورد مطالعه در جغرافیای سیاسی ۲۴

۱-۸ فلسفه و چیستی و چرایی جغرافیای سیاسی ۲۶

۱-۹ هدف‌گذاری در جغرافیای سیاسی ۳۵

۱-۱۰ مفهوم و تعریف ایدئولوژی ۳۶

۱-۱۱ رابطه ایدئولوژی و جغرافیا ۳۹

۱-۱۱-۱ ایدئولوژی سیاسی و اهمیت آن ۳۹

خلاصه فصل اول ۴۱

خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل اول ۴۲

فصل دوم. سیر تحول تاریخی جغرافیای سیاسی ۴۵

هدف کلی ۴۵

هدف‌های یادگیری ۴۵

۱-۲ سیر تاریخی جغرافیای سیاسی ۴۵

۱-۲-۱ دوره زایش پراکنده اندیشه‌های جغرافیای سیاسی ۵۰

۱-۲-۲ دوره تمرکز ۵۲

۱-۲-۳ دوره نگاه به درون ۵۸

۱-۲-۴ دوره حیات مجدد ۶۰

خلاصه فصل دوم ۶۳

خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل دوم ۶۴

فصل سوم. جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک ۶۷

هدف کلی ۶۷

هدف‌های یادگیری ۶۷

۱-۳ تعاریف ژئوپلیتیک ۶۷

۲-۳ فلسفه ژئوپلیتیک از منظر جغرافیای سیاسی ۷۱

۱-۲-۳ تقدم جغرافیای سیاسی بر ژئوپلیتیک ۷۲

۳-۳ آغاز ژئوپلیتیک ۷۴

۴-۳ عوامل مؤثر در ژئوپلیتیک ۷۵

۱-۴-۳ عوامل ثابت ژئوپلیتیک ۷۵

۲-۴-۳ عوامل متغیر ژئوپلیتیک ۸۷

۵-۳ ژئواکونومی ۹۰

۱-۵-۳ حدود و وسعت ژئواکونومی ۹۱

۲-۵-۳ ژئواکونومی چیست؟ ۹۲

۳-۵-۳ ژئواکونومی و ژئوپلیتیک ۹۴

۶-۳ استراتژی و تعریف آن ۹۵

۱-۶-۳ عوامل مؤثر در ژئواکونومی ۱۰۰

۲-۶-۳ هدف ژئواکونومی ۱۰۰

خلاصه فصل سوم ۱۰۱

خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل سوم ۱۰۲

فصل چهارم. نظریه‌های جهانی جغرافیای سیاسی ۱۰۵

هدف کلی ۱۰۵

هدف‌های یادگیری ۱۰۵

۱-۴	پیدایش نظریه جهانی جغرافیای سیاسی	۱۰۵
۲-۴	ژاک تورگو و جغرافیای سیاسی	۱۰۹
۳-۴	امانوئل کانت و جغرافیای سیاسی	۱۱۴
۴-۴	مکیندر و نظریه هارتلند	۱۱۶
۵-۴	اسپایکمن و تئوری ریملند	۱۱۹
۶-۴	ماینگ و معیارهای انسانی	۱۲۱
۷-۴	تفکرات پاندز و جغرافیای سیاسی	۱۲۳
	خلاصه فصل چهارم	۱۲۴
	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل چهارم	۱۲۴
	فصل پنجم. ناحیه‌گرایی در جغرافیای سیاسی	۱۲۷
	هدف کلی	۱۲۷
	هدف‌های یادگیری	۱۲۷
۱-۵	محل‌گرایی	۱۲۷
۲-۵	ناحیه و مکان سیاسی	۱۳۰
۳-۵	تعریف کشور	۱۳۴
۱-۳-۵	بعد جغرافیایی	۱۳۵
۲-۳-۵	بعد حقوقی	۱۳۵
۳-۳-۵	بعد سیاسی	۱۳۷
۴-۵	مؤلفه‌های نقشه سیاسی جهان	۱۳۷
۵-۵	عوامل شکل‌دهنده کشور	۱۴۴
۶-۵	سرزمین، مرز	۱۴۵
۱-۶-۵	سرزمین (بوم)	۱۴۶
۲-۶-۵	مرز	۱۴۸
	خلاصه فصل پنجم	۱۵۴
	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل پنجم	۱۵۵
	فصل ششم. فضای مجازی و جغرافیای سیاسی	۱۵۷
	هدف کلی	۱۵۷
	هدف‌های یادگیری	۱۵۷
۱-۶	ماهیت، ویژگی‌ها و قابلیت‌های فضای مجازی	۱۵۷
۱-۱-۶	مفهوم فضای مجازی	۱۵۷
۲-۶	قلمرو و ویژگی‌های فضای مجازی	۱۶۲
۱-۲-۶	قلمرو فضای مجازی	۱۶۲
۳-۶	ژئوپلیتیک اینترنت و فضای مجازی	۱۶۵
۱-۳-۶	فضای مجازی و قدرت اطلاعاتی	۱۶۵

۱۷۱	۴-۶ ابعاد ژئوپلیتیکی فضای مجازی
۱۷۱	۴-۶-۱ بعد مدیریتی و کنترل
۱۷۲	۴-۶-۲ بعد هویتی
۱۷۳	۴-۶-۳ بعد هم‌گرایی و همکاری
۱۷۴	۴-۶-۴ بعد رقابتی و ستیز
۱۷۵	۴-۶-۵ بعد شکاف توسعه
۱۷۶	۴-۶-۶ بعد تولید قدرت
۱۷۷	۴-۶-۷ بعد حاکمیتی و کنترل ملی
۱۷۸	خلاصه فصل ششم
۱۷۸	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل ششم
۱۸۱	فصل هفتم. جغرافیای سیاسی ایران
۱۸۱	هدف کلی
۱۸۱	هدف‌های یادگیری
۱۸۱	۷-۱ منشأ نام ایران
۱۸۳	۷-۲ عوامل و مؤلفه‌ها در پیدایش کشور ایران
۱۸۳	۷-۲-۱ موقعیت جغرافیایی
۱۸۳	۷-۲-۲ وحدت سرزمینی و شکل فضا
۱۸۵	۷-۲-۳ سابقه کهن
۱۸۵	۷-۲-۴ زبان
۱۸۶	۷-۲-۵ دین و مذهب
۱۸۷	۷-۲-۶ نژاد و قومیت
۱۸۸	۷-۲-۷ آداب و رسوم مشخص ایرانی
۱۸۹	۷-۲-۸ تهدیدات بیرونی
۱۹۰	۷-۲-۹ رقابت قدرت‌ها
۱۹۰	۷-۳ مؤلفه‌های بااهمیت در توجه به ایران توسط قدرت‌های بزرگ
۱۹۰	۷-۳-۱ موقعیت جغرافیایی و فضای سرزمینی
۱۹۱	۷-۳-۲ ذخایر و ثروت‌های زمینی و زیرزمینی
۱۹۲	۷-۴ اهمیت سرزمین ایران از دیدگاه جغرافیای سیاسی
۱۹۴	۷-۵ ساختار فضایی ملت از دیدگاه جغرافیای سیاسی
۱۹۵	۷-۵-۱ آذری‌ها
۱۹۶	۷-۵-۲ کردها
۱۹۸	۷-۵-۳ عرب‌ها
۲۰۱	۷-۵-۴ بلوچ‌ها
۲۰۳	۷-۵-۵ ترکمن‌ها
۲۰۴	۷-۶ نیروهای همگرا و واگرا در ایران

۲۰۴	۱-۶-۷ نیروهای واگرا
۲۰۸	۲-۶-۷ نیروهای همگرا
۲۱۱	۷-۷ مرزهای ایران
۲۱۴	خلاصه فصل هفتم
۲۱۵	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل هفتم
۲۱۷	فصل هشتم. مناطق راهبردی جهان
۲۱۷	هدف کلی
۲۱۷	هدف‌های یادگیری
۲۱۷	۱-۸ تعریف منطقه راهبردی
۲۱۸	۲-۸ عوامل راهبردی شدن یک منطقه
۲۱۸	۱-۲-۸ واقع شدن در کنار تنگه‌های بین‌المللی
۲۱۹	۲-۲-۸ واقع شدن بین دو ناحیه مهم
۲۱۹	۳-۲-۸ موقعیت سرآغازی
۲۱۹	۴-۲-۸ موقعیت بندرگاهی
۲۱۹	۵-۲-۸ موقعیت‌های نظامی
۲۲۰	۶-۲-۸ موقعیت مرکزی
۲۲۰	۷-۲-۸ موقعیت ژئوپلتیک
۲۲۱	۳-۸ خاورمیانه
۲۲۵	۴-۸ خلیج فارس
۲۲۶	۵-۸ تنگه‌های راهبردی
۲۳۸	۶-۸ کانال‌ها و جزایر راهبردی
۲۴۴	خلاصه فصل هشتم
۲۴۴	خودآزمایی چهارگزینه‌ای فصل هشتم
۲۴۷	پاسخنامه
۲۴۹	منابع

پیشگفتار

هدف از تدوین کتاب حاضر آشنایی دانشجویان علوم سیاسی و جغرافیا با مبانی و اصول جغرافیای سیاسی و مسائل کلیدی مرتبط با آن است. هرچند کتاب‌هایی در این باب و مباحث مرتبط از بزرگان جغرافیای سیاسی در کشور منتشر شده است لذا چون خوانندگان این اثر دانشجویان کارشناسی رشته علوم سیاسی دانشگاه پیام نور هستند هدف این است که محتوایی با نگارش روان و درعین حال غنی و علمی پیرامون مبانی، اصول، فلسفه، اندیشه‌ها تحولات سیاسی و ناحیه‌گرایی و پیشرفت‌های نوین تکنولوژیکی و تأثیر آن در جغرافیای سیاسی به نحوی ارائه شود که دانشجویان به‌طور خودخوان نیز بتوانند مطالب را بخوانند و درک کنند.

از هدف‌های این اثر آن است که دانشجویان پس از مطالعه دقیق آن با شناخت مبانی، اصول فلسفه و سیر تحول تاریخی جغرافیای سیاسی در مسائل و نیز مباحث مرتبط دیگر همچون ژئوپلیتیک، ژئواستراتژی و ژئواکونومی شناخت کامل پیدا کرده و توانایی لازم را کسب کنند.

از هدف‌های دیگر این اثر شناخت دانشجویان رشته علوم سیاسی با مفهوم فضا و ناحیه و اهمیت راهبردی مناطق و تأثیر آن در تحولات سیاسی است. هرچند در تدوین و نگارش کتاب سعی بر این بود که متن حاضر از نواقص کمتری برخوردار باشد ولی قطعاً هیچ اثری خالی از عیب نیست.

لذا نویسندگان کتاب امیدوارند که خوانندگان فهیم کاستی‌های این اثر را به ما گوشزد کنند تا در فرصت‌های آتی برای رفع آن اقدام شود.

در پایان از دفتر تدوین کتب آموزشی دانشگاه پیام نور و اساتید داور و ویراستار علمی که این اثر را با دقت و ظرافت مورد مطالعه قرار داده و پیشنهادهای بسیار سازنده و گره‌گشایی به نگارندگان عرضه داشتند، سپاسگزاری می‌کنیم.

مؤلفان

مقدمه

برخی مناطق جغرافیایی جهان از نظر نظامی، اقتصادی و سیاسی دارای اهمیت بسیاری هستند. این سرزمین‌ها در طول تاریخ همواره محل برخورد قدرت‌ها و عرضه وقوع جنگ‌های بزرگ بودند و در گذشته حکمروایی بر جهان مستلزم تسلط بر این مناطق بوده است. جغرافیا به عنوان یکی از نظام‌های معرفتی به مطالعه پدیده‌های فضایی نواحی متشکل و سازمان یافته جغرافیایی از سطح میکرو تا ماکرو می‌پردازد. مهم‌ترین چیزی که در رابطه متقابل عامل انسانی با فضای جغرافیایی مورد توجه است، تصمیم‌گیری‌های انسان‌ها و جوامع انسانی و بازیگران سیاسی با توجه به ایدئولوژی‌های مسلط آن‌ها و تأثیر آن بر فضای جغرافیایی و نیز تأثیرگذاری مقتضیات فضا و شکل‌گیری تصمیمات و سیاست‌ها است. پس دو مؤلفه سیاست و فضا از مفاهیم اساسی رشته جغرافیای سیاسی بوده و فضای شکل گرفته و در حال تحول نیز متأثر از تنش‌های متقابل آن‌هاست. جغرافیای سیاسی که از چند دهه اخیر احیا شده است و در مراکز دانشگاهی جایگاه ویژه‌ای یافته است در پی تحولات سیاسی اجتماعی جهان در اواخر قرن بیستم دچار تحول و رشد چشمگیری شده است. امروزه موضوع جغرافیای سیاسی تنها دولت ملی نیست بلکه موضوعات جدیدی در قلمرو معرفتی این رشته قرار گرفته است. یکی از نگرش‌های موضوعی جدید پرداختن به الگوهای گوناگون دولت از بعد فضایی است به طوری که جغرافیای سیاسی علاوه بر دو مطالعه دولت ملی الگوهای جدید دولت در سطوح فرو ملی و فراملی را مورد توجه قرار می‌دهد. در این میان مطالعه الگوهای دولت محلی در سطوح فروملی و الگوهای دولت منطقه‌ای در

چهارچوب سازه‌های منطقه‌ای و دولت جهانی و قلمروهای حاکمیتی رسمی و غیررسمی از موضوعات مورد علاقه جغرافیدانان سیاسی است. جغرافیای سیاسی در تقسیم‌بندی‌های علمی به‌عنوان شاخه‌ای از جغرافیای انسانی شناخته شده است و درباره موضوع و مفهوم آن اختلاف نظر وجود دارد. مفاهیم و مباحث جغرافیای سیاسی از دیرباز مطرح بوده و رابطه بین محیط و عوامل جغرافیایی با رفتار سیاسی انسان در آثار فلاسفه یونان قدیم و دانشمندان اسلامی چون ابن خلدون و دانشمندان عصر جدید چون منتسکیو مورد توجه قرار گرفته است و اساس علمی این رشته در اواسط قرن هجدهم توسط ایمانوئل کانت و در اواخر قرن نوزدهم توسط راتزل جغرافی‌دان آلمانی گذاشته شد. حوادث جنگ جهانی دوم به دلیل گرایش‌های ژئوپلیتیک این شاخه در آلمان، تا اندازه‌ای بر پیشرفت علمی آن تأثیر منفی به جای گذاشت و موجبات غفلت اندیشمندان از این رشته را فراهم آورد. این حادثه همچنین در پیدایش رویکردهای جدید به جغرافیای سیاسی نظیر دیدگاه تفاوت‌های مکانی و دیدگاه ناحیه و فضایی مؤثر بود و دیدگاه اکولوژیک را در جغرافیای سیاسی تا اندازه‌ای منزوی ساخت. از حدود دهه ۸۰ قرن بیستم جغرافیای سیاسی به‌طور کلی و ژئوپلیتیک به‌طور خاص دچار تحول شد و گرایش عمومی نسبت به این مباحث هم در بین جغرافیدانان و هم در بین سیاستمداران افزایش یافت. در ایران گرایش به جغرافیای سیاسی و گسترش آن در نظام علمی کشور به سرعت رشد کرد؛ و در بیشتر دانشگاه‌های کشور این رشته دانشگاهی دایر است بر این اساس کتاب جغرافیای سیاسی برای دانشجویان رشته علوم سیاسی در مقطع کارشناسی به میزان ۲ واحد درسی تدوین شده است.

به‌زعم نگارندگان، این کتاب براساس ساختار و اصول کتب مبانی موجود در جغرافیای سیاسی (داخلی و خارجی) به‌خصوص اندیشمندان صاحب‌نظر داخلی تنظیم شده، با این تفاوت که تلاش بر این بوده است تا ضمن حفظ محتوای جغرافیای سیاسی به مفاهیم جدید و تأثیرگذار پدید آمده در چند دهه اخیر در دانش جغرافیای سیاسی (فضای مجازی و مناطق راهبردی) در حد توان و ضرورت پرداخته شود. کتاب مزبور از ۸ فصل تشکیل شده است.

فصل اول: همان‌طور که بیان شد، شامل تعریف و چستی جغرافیا و سیاست و ارتباط آن‌ها با هم و تشریح مفهوم جغرافیای سیاسی و ایدئولوژی و ارتباط آن با جغرافیا و نیز ایدئولوژی سیاسی و تأثیر آن بر فضا است.

فصل دوم: سیر تحول در جغرافیای سیاسی از ابتدا تا عصر کنونی مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است.

فصل سوم: ارتباط بین جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک از آغاز تاکنون را بیان می‌کند. در این فصل مفاهیم ژئواکونومی و ژئواستراتژی و عوامل مؤثر در این مفاهیم تشریح شده است.

فصل چهارم: نظریه‌های جهانی جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک را تشریح می‌کند. فصل پنجم: ماهیت جغرافیای سیاسی (ناحیه‌گرایی) را با بررسی مفاهیم کشور و عوامل شکل‌دهنده کشور و مرز مورد بررسی قرار می‌دهد.

فصل ششم: همان‌طوری که شرح آن گذشت، یکی از جدیدترین پیشرفت‌های تکنولوژیکی در عصر ارتباطات و نقشی که این پیشرفت‌ها در جغرافیای سیاسی داشته‌اند را مورد بررسی قرار می‌دهد. در این فصل به تعریف فضای مجازی، ماهیت، ویژگی‌ها و قابلیت‌های این مفهوم و تأثیری که بر ابعاد مختلف جغرافیایی سیاسی دارند، پرداخته شده است.

فصل هفتم: جغرافیای سیاسی ایران (منشأ شکل‌گیری، عوامل و مؤلفه‌های پیدایش و نیز ساختارهای فضایی ملت از دیدگاه جغرافیایی) مورد تتبع و بررسی قرار می‌دهد.

فصل هشتم: مناطق راهبردی جهان از دیدگاه جغرافیای سیاسی، عوامل راهبردی شدن این مناطق را مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌دهد.

فصل اول

تعاریف و مفاهیم

هدف کلی

آشنایی دانشجویان با تعاریف جغرافیا، سیاست، جغرافیای سیاسی و مفاهیم مرتبط با آن.

هدف‌های یادگیری

انتظار می‌رود پس از خواندن این فصل بتوانید:

۱. مفهوم جغرافیا و سیاست را توضیح دهید و ارتباط آن‌ها را بیان کنید.
۲. مفهوم جغرافیای سیاسی از منظر جغرافیا و علوم سیاسی و جغرافیدانان سیاسی را تشریح کنید.
۳. فلسفه و چستی و چرایی جغرافیای سیاسی را بیان کنید.
۴. هدف غایی جغرافیای سیاسی را توضیح دهید.
۵. رابطه جغرافیا و ایدئولوژی و اهمیت ایدئولوژی سیاسی را تشریح کنید.

۱-۱ مفهوم و تعریف جغرافیا

از نظر لغوی، واژه جغرافیا به معنی زمین‌نگاری^۱ و برگرفته از واژه یونانی Geo (زمین) و Graphia (نگاشتن) است. در عبارت زمین‌نگاری^۲ یا نگاشتن زمین^۳ واژه‌نگاری هم به

مفهوم رساندن، بیان یا نمایاندن جهان و هم نشان‌گذاری، شکل دادن یا تبدیل جهان است (Gregory and Johnston, 2009: 277). واژه جغرافیا^۱ که توسط اراتوستن^۲ (۲۷۶-۱۹۴ ق.م) طرح شد به معنی «توصیف و نگارش زمین»^۳ بود. نمایش و توصیف ربع مسکون زمین یا به تعبیری اکومن مورد علاقه یونانیان بود (کلاول، ۱۳۸۵: ۲۵).

توصیف سطح زمین دو بعد طبیعی و انسانی داشت و شامل روابط میان آن دو بود. بر این پایه، علم جغرافیا به دو بخش جغرافیای انسانی و جغرافیای طبیعی تقسیم می‌شد. در این میان، جغرافیای طبیعی به‌عنوان زیرمجموعه علم جغرافیا که رویکرد مطالعاتی آن بیشتر بر سنت جغرافیا به‌عنوان علم زمین متمرکز است به تبیین ویژگی‌های فضایی پدیده‌های طبیعی مرتبط با آب کره^۴، هوا کره^۵، خاک کره^۶ و الگوهای جهانی زیست کره^۷ (گیاهی و جانوری) می‌پردازد. جغرافیای انسانی که گاه از آن به‌عنوان جغرافیای فرهنگی یا اجتماعی هم یاد می‌شود نیز به مطالعه ابعاد، الگوها و فرایندهای سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی پدیده‌های فضایی می‌پردازد که به زیست‌بوم جامعه انسانی شکل می‌دهند. گرایش‌ها و رشته‌های جغرافیای انسانی و طبیعی به‌طور روزافزون سرشتی تخصصی‌تر می‌یابند و در پیوند بیشتر با علوم مجاور قرار می‌گیرند. در عموم تعاریفی که از علم جغرافیا به عمل آمده است منظور از Geo همان سطح زمین است. جایی که در ادبیات امروز از آن با عنوان لایه زندگی یاد می‌کنند. لایه زندگی مجموعه متعامل از عوامل طبیعی (آب، هوا و خاک) سطح زمین است که زمینه پیدایش و تداوم زیست را فراهم کرده است. مفهوم سطح زمین (Geo) نمودگاه بازیگران جغرافیا و بستر رفتار آن‌ها و کانون استقرار پدیده‌های جغرافیایی است. تنوع و گوناگونی فضایی پدیده‌ها برآیند عملکرد اوضاع حاکم (فضای مطلق و نسبی) بر مکان‌هاست (شکویی، ۱۳۸۶: ۹۹). شکل سطح زمین و فرایندهای (طبیعی و انسانی) که بدان وارد می‌شوند، ماهیت جغرافیا را تشکیل می‌دهند. بر این اساس، کنش متقابل محیط طبیعی و انسانی همیشه در کانون مسائل جغرافیایی قرار داشته است (متیوز و هربرت، ۱۳۹۱: ۲۷). پدیده‌های طبیعی در قالب تنوع ناهمواری‌ها، آب‌ها،

-
1. Geographia
 2. Eratosthenes
 3. Earth Describe-Write
 4. Hydrosphere
 5. Atmosphere
 6. Lithosphere
 7. Biosphere

آب و هوا، خاک و رستنی‌ها به‌عنوان سازندگان محیط طبیعی به‌واسطه قوانینی که به انتظام فضایی پدیده‌ها شکل می‌بخشند همواره برکنش و چشم‌اندازهایی انسانی اثر گذارده‌اند (کلاول، ۱۳۷۳: ۱۸). در مطالعات جغرافیایی، انسان به معنای فرد انسان، کانون پژوهش نیست بلکه اجتماع و فرهنگ که برآیند مناسبات اجتماعی - اقتصادی است در پیوند با محیط، مطرح است. محیط جغرافیایی از در هم تنیدگی اوضاع اجتماعی - اقتصادی ساختار جامعه و لایه زندگی (زیست‌کره) به‌وجود می‌آید (شکویی، ۱۳۸۶: ۱۱۵). تغییرات محیط جغرافیایی تابعی از تغییرات بنیادهای زیستی (آب هوا و خاک) و تحولات اجتماعی در قالب تراکم جمعیت، تقسیم کار اجتماعی و عوامل اقتصادی و فناوری است. بر این پایه، محیط نوعی نظام بنیادین و بستر نظام اجتماعی - اقتصادی به‌شمار می‌آید که ساخت‌ها و کارکردها (فعالیت‌ها و مناسبات) بر آن تکیه دارند (حافظ نیا، ۱۳۹۵: ۴۵). داده‌ها و یافته‌های موجود ناظر بر این واقعیت‌اند که عوامل مؤثر در تحولات اجتماعی در مکان‌های مختلف ژرفا و گستره متفاوتی داشته‌اند. از این رو، تغییرات محیط جغرافیایی حتی در مناطق همسان از نظر منابع طبیعی و موقعیت جغرافیایی، نموده‌های متفاوتی داشته‌اند. مطالعه عوامل مؤثر در پیدایش، تغییر و توزیع ساختارها و کارکردها که به خلق فضا و پدیده‌های فضایی می‌انجامد در حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی، فروسای بنیادهای زیستی آلودگی و غیره بر روی سطح زمین در قلمرو پژوهش‌های جغرافیایی قرار می‌گیرند و جغرافی‌دانان با بهره‌گیری از رویکردهای فلسفی، نظری و روش‌ها و فنون ترسیم نقشه به تحلیل و بازنمایی آن‌ها می‌پردازند. از چنین منظری است که علم جغرافیا بر آن بوده است که عوامل مؤثر بر پیدایش توزیع پیچیده اشیا موجودات زنده و انسان‌ها در سطح زمین درک و کشف کند (کلاول، ۱۳۷۳: ۱۹) بر پایه مطالب پیش گفته فلسفه جغرافیا در حوزه فلسفه پیشین یا مضاف قرار می‌گیرد. از این رو، فلسفه جغرافیا، رویکردی فلسفی به علم جغرافیاست که قلمرو آن را جستارهای معرفت‌شناسی، مسائل پدیداری، اصول (قوانین) جغرافیایی تشکیل می‌دهند. علم جغرافیا بر بنیاد «کجایی پدیدارها» استوار است که تبیین وضعیت و موقعیت پدیدارها مستلزم فهم چرایی و چگونگی پیدایش و پیامدهای آن‌هاست (حافظ نیا، ۱۳۹۵: ۴۶). با این حال، هر علمی به فراخور شخصیت، کارکرد و گستره مفهومی‌اش یکی از ابعاد وجود را مطالعه می‌کند. پرسش بنیادی اینجاست که علم جغرافیا کدامین بعد فلسفه وجود را مورد مطالعه خود قرار

داده است؟ همچنان که پیشتر اشاره شد لازمه فلسفه، پذیرش وجود خارجی اشیا و مواد است. اشیا و پدیده‌های که به زبان فلسفی، وجود مستقل دارند و کیفیت مشترک همه آن‌ها مستقل بودن از شعور آدمی است که فلسفه علمی در یک مفهوم مشترک، اشیا و پدیده‌ها را وحدت می‌بخشد و آن ماده یا طبیعتی است که مستقیم یا نامستقیم دستخوش تجربه انسان است (کاپالدی، ۱۳۹۰: ۳۲). با توجه به مطالب مطرح شده می‌توان جغرافیا را چنین تعریف کرد:

جغرافیا علمی است که به مطالعه محیط انسانی کره زمین می‌پردازد یا اینکه کره زمین را از دیدگاه فضای انسانی مورد مطالعه قرار می‌دهد. به بیان دیگر، جغرافیا عبارت است از مطالعه علمی روابط انسان و محیط، حال این محیط، محیط‌زیست طبیعی باشد یا محیط‌زیست انسانی - اقتصادی یا محیط سیاسی و امنیتی - استراتژیک جغرافیا دانشی است کهن و از علوم پایه به‌شمار می‌رود که پیشینه تاریخی مطالعاتش به پیدایش تاریخ نوشته شده تمدن بشری بازمی‌گردد، حال آنکه شاخه سیاسی آن دانشی کاملاً نوین است که همراه با پیدایش مفهوم «ملت» و «حکومت ملتی» در قرن نوزدهم پدید آمد.

۱-۲ مفهوم و تعریف سیاست^۱

سیاست به معنی «تدبیر» و به‌کار گرفتن تدبیر در کار کشورداری یا در مدیریت سیاسی اجتماع است. تا قرون وسطای اروپایی سیاست در خدمت دین بود و بخشی از آن شمرده می‌شد. به گفته دیگر، تا قرن هیجدهم، سیاست در خدمت ایدئولوژی ماوراءالطبیعی انسان بود. با پدید آمدن مفاهیمی چون «ملت»، «حکومت ملتی»، «اقتصاد جهانی» و «روابط بین‌الملل» در دوران مدرن، سیاست رفته‌رفته در خدمت اقتصاد و رسیدن به هدف‌های اقتصادی قرار گرفت. در دورانی که از فروپاشی نظام دو قطبی در جهان آغاز شده و شاید بتواند در اصطلاح دوران «پسامدرن» قلمداد شود، زیربنای شکل گرفته نظام جهانی براساس تفاوت‌های ایدئولوژیک «شرق» و «غرب» دگرگون شد و با جهانی شدن اقتصاد بازار آزاد، نظام جهانی جنبه‌ای اقتصادی پیدا کرد؛ بدین ترتیب، نقش سیاست در خدمت اقتصاد، ژرف‌تر از گذشته شده و سیاست در رابطه با جغرافیا دوران کاملاً تازه‌ای را در مطالعات علمی منطقه‌ای و جهانی بشر آغاز کرده

است. در همان حال شایان توجه است که بازگشت به «حکومت مبتنی بر ایدئولوژی» اگرچه سیاست را دوباره به خدمت ایدئولوژی درمی‌آورد، با توجه به بنیادین بودن اقتصاد در روابط بین‌الملل به‌منزله زیربنای اصلی نظام جهانی نمی‌تواند نقش‌آفرینی سیاست در اقتصاد را متوقف سازد.

واژه سیاست در برابر واژه انگلیسی «politics, policy» و واژه فرانسوی «politique» به‌کار برده می‌شود، که خود از واژه یونانی پولیس «polis» به معنای شهر یا «cite» برگرفته شده است. شهر یا سیتة در آن به مکانی اطلاق می‌شد که افراد در آن گرد هم می‌آمدند، مسائل و موضوعات مشترک زندگی و اداره بهتر شهر خود را مورد بحث قرار می‌دادند و آنگاه تصمیمات لازم را اتخاذ می‌کردند. بدین ترتیب، اصطلاح مذکور به‌نوعی به معنای تنظیم روابط در قالب یک جامعه سازمان یافته است. به گفته روبرتز: «امروزه واژه پولیتیک برای ما معنی خاصی دارد و تعبیر ما از آن چنین است؛ به راه و روشی گفته می‌شود که همراه با بحث و مذاکره در اداره امور کشور به راه‌های مختلفی که برای رسیدن به مقصود وجود دارد، توجه شده و سرانجام تصمیم مقتضی گرفته می‌شود» (زارعی، ۱۳۹۲: ۵).

به‌نظر می‌رسد واژه پولیس در زبان یونانی تنها در برگیرنده شهر نبوده بلکه در معنی دژ، حکومت و جامعه هم به‌کار می‌رفته است. به‌نظر عنایت: «مفهوم شهر با «polis» یونانی تفاوت آشکار دارد. شهر به معنای جایگاه زیست مردمان را در یونان می‌نامیدند. «polis» در آغاز کلمه‌ای بود که در پای «asty» ساخته می‌شد، اما مفهوم آن تغییر یافت و به معنای سیاسی یک کشور در ارتباط با کشورهای دیگر و یا به عبارت بهتر به معنای شخصیت بین‌الملل کشور آمده است» (همان).

احمد نقیب‌زاده نیز بر این باور است: «از آنجا که ریشه تفکرات سیاسی و اجتماعی در یونان باستان نهفته است، توضیح مفهوم «cite» تا حدی می‌تواند راهگشا باشد. سیتة همیشه در مقابل شهر به‌کار می‌رفت و نه به‌جای آن. شهر به مجموعه نهادهای مادی زندگی اجتماعی در یک محل شامل خیابان‌ها و ساختمان‌ها و غیره اطلاق می‌شد اما سیتة برعکس مفهوم مادی نبود، بلکه مفهومی انسانی و حقوقی بود که تمام شهروندان را در برمی‌گرفت. در نتیجه «cite» همان جامعه بود که فی‌نفسه سیاسی بود و شامل انسان‌هایی می‌شد که از وضعیت خاص حقوقی برخوردار بودند؛ بنابراین برده‌ها، خارجی‌ها، زن‌ها و بچه‌ها را در بر نمی‌گرفت و بین آن‌ها روابط سازمان یافته‌ای